

متن پرسش

بسمه تعالی. بنا به گفته رهبر شهیدمان «..... امروز شما در دنیا این را می بینید، قبل از دوران امام حسین (علیه السلام) هم این دوجبه‌ای وجود داشت، در زمان بعد از ایشان هم وجود داشته، امروز هم وجود دارد، تا آخر هم وجود خواهد داشت. در همه‌ی اینها «إِنِّي سَلِّمُ لِمَنْ سَأَلَكُمْ»؛ با هر کسی که در جبهه‌ی شما است، من خوبم؛ «حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ»، با هر کسی که با جبهه‌ی شما می‌جنگد، می‌جنگم. این جنگ اشکال مختلفی دارد: در دوران شمشیر و نیزه یک جور است، در دوران اتم و هوش مصنوعی و امثال اینها یک جور دیگر است، ولی هست؛ در دوران تبلیغات به وسیله‌ی شعر و قصیده و حدیث و بیان کلمات یک جور است، در دوران اینترنت و کوانتوم و امثال اینها هم یک جور دیگر است، ولی هست؛ در دوران دانشجو بودن انسان یک جور است، در دوران مدیر شدن و مسئول شدن یک جور دیگر است؛ در همه‌ی احوال هست. «حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ» نباید فراموش بشود. «حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ» همیشه به معنای تفنگ به دست گرفتن نیست؛ به معنای درست اندیشیدن، درست سخن گفتن، درست شناسایی کردن، دقیق به هدف زدن است؛ «حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ» این جوری است. بدانید وظیفه چیست، بشناسید راهی را که باید بیمایید. اگر این جور فکر کردیم، این جور شناسایی کردیم، این جور همت کردیم، زندگی معنا پیدا می‌کند، زندگی هدف پیدا می‌کند. پول لایق این نیست که هدف زندگی باشد؛ مقام و قدرت و موقعیتهای اجتماعی حقیرتر از آن هستند که هدف زندگی انسان قرار بگیرند. هدف زندگی بندگی است، رسیدن به خدا است. راهش هم فقط همین است: سَلِّمُ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ. جوانی‌تان را قدر بدانید؛ میدان وسیعی در مقابل شما است. ان شاء الله شصت سال دیگر، هفتاد سال دیگر شما در این دنیا حضور خواهید داشت و کار خواهید داشت؛ از این فرصت استفاده کنید؛ برای این فرصت طولانی برنامه‌ریزی کنید؛ برای اینکه برنامه‌ریزی‌تان درست از آب دربیاید فکر کنید؛ برای اینکه درست بتوانید فکر کنید با قرآن آشنا بشوید، قرآن را بخوانید، تأمل کنید، از کسانی که پیش از شما و بیش از شما تأمل کردند یاد بگیرید. یاد گرفتن ننگ نیست، افتخار است؛ همیشه باید یاد بگیریم، تا آخر عمر باید یاد بگیریم. فکر کنید، مطالعه کنید، شناسایی کنید، آنجایی که اقدام لازم است اقدام کنید. اقدام یک وقت در آزمایشگاه است، یک وقت در کلاس درس است، یک وقت داخل محیط دانشگاه است، یک وقت در محیط اجتماعی است، یک وقت در محیط سیاسی است، یک وقت در راه کربلا است، یک وقت در راه فلسطین است، یک وقت شعار برای اهداف عالی‌ی اسلامی است. انقلاب اسلامی این راه را روی ما باز کرد. عزیزان من، جوانهای من! شماها آن روزگار را ندیدید؛ خوشحال باشید که ندیدید. ما دیدیم آن

روزگار را؛ روزگار بدی بود، روزگار سختی بود، روزگار سیاهی بود، روزگار یأس بود. انقلاب ورق را برگرداند، انقلاب راه را باز کرد، انقلاب به ما فرصت داد. می‌توانیم از این فرصت استفاده کنیم؛ شما می‌توانید از این فرصت استفاده کنید. می‌شود هم استفاده نکرد؛ اگر استفاده نکردیم، خسران است؛ اگر استفاده کردیم، فلاح است: قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ. (۴) ان شاء الله که موفق و مؤید

باشید. (https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۵۷۴۰۶). قسمتی از بیانات آقای شهیدمان است در مراسم اربعین سال ۱۴۰۳. عجب بودنی است این بودن. بیشتر مقصود این قسمت از متن است که می‌گویند «جوانی‌تان را قدر بدانید و برنامه ریزی کنید» و بعد ارجاع می‌دهند به قرآن "الی آخر. کمی صحبت کردن و نوشتن برایم سخت است، می‌ترسم از حرف‌هایم مقصد دیگری فهمیده شود، اما شما به حکم «فَبَشِّرِ الْعِبَادَ، الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» ناگفته‌ها را بخوانید. این متن را و فیلمش را بارها دیده‌ایم و چه جانی یافته‌ام. ای مرد در چه استحکامی سخن می‌گویی و چقدر از آنچه می‌گویی مطمئن هستی و خودت رازش را نیز گفته‌ای و آری چقدر ما خود را در آن زندان در کنار تو در حال قرآن خواندن طلب کردیم و حیرت کردیم و هنوز حیرانیم. اما چرا قلب من اینقدر سخت است. چگونه در آن شرایط قرآن می‌خوانی؟ والله چنین راهی و آنچنان شرایطی است که قرآن را برای جان‌مان به سخن درمی‌آورد. به قول حاج قاسم خطاب به بچه‌های مدافعان حرم که اینجا جای مستحبات است، این جا جای نماز شب خواندن است. آری! این نحوه زندگی، این امیال و این آرزوها و این نسبت‌ها که به خدا نمی‌دانم چطور و از کجا این‌ها برایم پیش آمده و این بن‌بست‌ها... این‌ها که بعید می‌دانم قرآن خواندنی و نماز شبی را پیش بیاورد. آری! من دوباره با تو می‌خواهم قرآن بخوانم. با تو می‌خواهم باز نماز بخوانم. با تو می‌خواهم باز ایمان بیاورم. اما چطور در کوره راه دوام بیاورم؟ چطور در این بی‌تابی‌ها از دست نروم؟ این همه بی‌انسی از کجا؟ این همه سختی در انس چگونه؟ بماند. زبانم توان بیان بطن سختی‌ای که جانم با آن دست و پنجه نرم می‌کند را، ندارد. بد نیست به رسم جلسات خودتان تفعلی به جناب لسان‌الغیب بزنم: گل‌گذاری ز گلستان جهان ما را بس / زین چمن سایه آن سرو روان ما را بس. من و هم‌صحبتی اهل ریا دورم باد / از گرانان جهان رطل گران ما را بس. قصر فردوس به پاداش عمل می‌بخشند / ما که رندیم و گدا دیر مغان ما را بس. بنشین بر لب جوی و گذر عمر ببین / کاین اشارت ز جهان گذران ما را بس. نقد بازار جهان بنگر و آزار جهان / گر شما را نه بس این سود و زیان ما را بس. یار با ماست چه حاجت که زیادت طلبیم / دولت صحبت آن مونس جان ما را بس. از در خویش خدا را به بهشتم مفرست / که سر کوی تو از کون و مکان ما را بس. حافظ از مشرب قسمت گله ناانصافیست / طبع چون آب و غزل‌های روان ما را بس.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همه حرف همان است که گفتید و حقیقتاً آن مرد الهی و آن رهبر ربانی در میدان زندگی همراه با معنا، با آن سخنان که همچنان باید خواند و گوش داد؛ ما را حاضر کرد. زیرا

جهان امروزی بشر بسیار گسترده‌تر از آن است که با آنچه تا دیروز از انسان و از قرآن و از خدا و از نماز می‌فهمیدیم، ما را کفایت کند و از این جهت اجازه دهید که به همان غزل لسان الغیب که آوردید بنگریم و ما باشیم و گلستان جهان و گلعذاری که ما او را حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای می‌نامیم و حقیقتاً «زین چمن سایه آن سرو روان ما را بس». این جاست که چه اندازه انسان با هر آن‌کس که به هر نام و عنوانی در این‌جا نیست، فاصله پیدا می‌کند و راهی را می‌یابد که قصر فردوس جهان یعنی آینده درخشان این انقلاب اسلامی جلویش گشوده می‌شود و این همان «دیر مغان» ماست با رندی شب‌های خیابان‌ها و دلبستگی به رهنمودهای حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای «حفظه الله تعالی» که این یعنی توجه به اشاراتی، آری! توجه به اشاراتی که ما را متذکر فردایی دیگر در اکنون‌مان می‌نماید. و این‌جا است که خدا می‌داند با تمام وجود احساس می‌کنیم: «یار با ماست چه حاجت که زیادت طلبیم». آیا همین حضور، همان دولت صحبت آن مونس جان نیست؟ که تنها این بشر با این نوع حضور می‌تواند خود را ادامه دهد و نه آن‌که ما را به بهشت حواله دهد. حکایت حضور در بهشت، حکایت قرون وسطایی ما بود و امروز، در جمال امام شهیدمان همه آنچه قسمت آخرالزمانی ما بود، به میان آمد و ما را هیچ گله‌ای نیست زیرا او را شهید نکردند، بلکه یک ملت را اعم از زن و مرد به شهدای زنده‌ای تبدیل کردند که هرگز از آن فردای بزرگ انسانیت منصرف نمی‌شوند هرچند هزار بار کشته شوند. موفق باشید